

پس از ۴۰ روز مقاومت جانانه ایران در میدان‌های نبرد با آمریکا و اسرائیل سرانجام دشمن متجاوز تسلیم خواسته‌های بحق جمهوری اسلامی شد و به آتش بس تن داد

حماسه ملی در چله مقاومت



با اعلام برقراری آتش بس، در میان بیم و امیدها، خوش بینی‌ها و بدبینی‌هایی درباره این مسئله وجود دارد. نباید از یاد برد که آتش بس بخشی از جنگ است نه صلح

جنگ در تمام جبهه‌ها از جمله حزب‌الله لبنان، با این حال این تازه آغاز یک ماجراست و قطعاً راه دشوار برای تثبیت و تکمیل این پیروزی مانده است. پیروزی خون بر شمشیر یک سنت الهی است که به برکت خون شهدا تا اینجا کار حاصل شده و ترامپ را در برابر اراده ملت ایران مجبور به عقب‌نشینی کرده است، اما درباره آینده پیش رو توجه به چند نکته قابل توجه است.

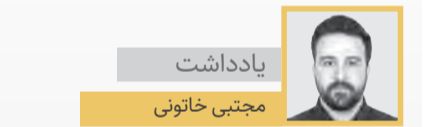
جنگ هنوز تمام نشده است

با اعلام برقراری آتش بس، در میان بیم و امیدها، خوش بینی‌ها و بدبینی‌هایی درباره این مسئله وجود دارد. نباید از یاد برد که آتش بس بخشی از جنگ است نه صلح. نگاه هرگز مطرح نمی‌شود که آتش بس بخشی از جنگ است نه صلح. نگاه هرگز مطرح نمی‌شود که آتش بس بخشی از جنگ است نه صلح. نگاه هرگز مطرح نمی‌شود که آتش بس بخشی از جنگ است نه صلح.

شود، نیروهای مسلح قدرتمند ما نیز حملات دفاعی خود را متوقف می‌کنند. ۲. به مدت دو هفته تردد امن در تنگه هرمز در هماهنگی با نیروهای مسلح ایران و با نظرداشت محدودیت‌های فنی موجود مقدر خواهد بود. طبق گزارش‌ها برخی شروط ترامپ در پیش نویس مذاکره این گونه بود: تعطیلی تأسیسات طنز، اصفهان و فردو، اعلام تنگه هرمز به عنوان مسیر آزاد دریایی، ممنوعیت غنی‌سازی در ایران، تحویل مواد غنی‌شده به آژانس اتمی، نظارت بین‌المللی بر فعالیت هسته‌ای، محدودیت برنامه موشکی و توقف حمایت از هم‌پیمانان منطقه‌ای. اما در نهایت وی به آغاز گفت‌وگوهای صلح بر اساس شروط ده‌گانه ایران که شامل این موارد هست موافقت کرد: تعهد به عدم تجاوز/ ادامه کنترل تنگه هرمز/ پذیرش غنی‌سازی اورانیوم/ لغو تحریم‌های اولیه و ثانویه/ تعهد ایران مبنی بر عدم ساخت سلاح هسته‌ای/ لغو قطعنامه‌های شورای امنیت/ لغو قطعنامه‌های شورای حکام/ پرداخت غرامت/ خروج نیروهای آمریکا از منطقه/ توقف

هدایت جاوید | در حالی که ثانیه‌شمارها به ۳:۳۰ باامداد چهارشنبه، ساعت صفر اعلامی ترامپ برای حمله به تأسیسات زیرساختی ایران و آن‌گونه که او ادعا می‌کرد «مرگ کامل یک تمدن»؛ نزدیک می‌شد، چرخش ناگهانی رئیس‌جمهور آمریکا روی میز گذاشتن آتش بس دوهفته‌ای آن هم بر اساس پیشنهاد و اصول ده‌گانه مد نظر جمهوری اسلامی، از آن دست اتفاقاتی بود که از سوی دوست و دشمن، شکست کامل واشنگتن در میدان منازعه با تهران تعبیر شد. بخل گرفتن صلح در میانه ضربات مداومی که آمریکا متحدانش در میدان نبرد از کشورمان دریافت می‌کرد، پس از آن بود که «شهباز شریف» نخست‌وزیر پاکستان به عنوان میانجی مذاکرات غیرمستقیم، با پیشنهادی دقیقه‌نودی در توییتهای پایانی اینکه تلاش‌های دیپلماتیک برای حل و فصل مسالمت‌آمیز جنگ جاری در خاورمیانه به طور پیوسته، قوی و قدرتمند در حال پیشرفت است از رئیس‌جمهور آمریکا خواست مهلت تعیین شده پیشین برای دو هفته دیگر تمدید شود، موضوعی که با استقبال دونالد مواجه شد.

در ادامه سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه کشورمان در نخستین واکنش به این اتفاق با قدردانی از تلاش‌های پاکستان برای خاتمه جنگ در منطقه با انتشار متنی درباره این گام نوشت: ۱. چنانچه حملات به جمهوری اسلامی ایران متوقف



یادداشت

مجتبی خاتونی

«آتش بس»؛ آغاز یک پایان

هنوز هیچ قطعیتی در کار نیست! آتشی که به وسیله دشمنان این مردم افروخته شده، به سختی می‌تواند با یک بیابانی یا حتی یک توافق چندجانبه، خاموش شود. ما مردم، این را بهتر از هر کس دیگری می‌دانیم و دلیل، تجربه زیسته‌ای است که در سفره‌های آب رفته خود، امنیت خدشه‌دار شده و خون‌های جاری شده بر این خاک مقدس پدست آورده‌ام!

حالا ما بیشتر از پیش می‌دانیم که این دشمن، چرا جمهوری اسلامی ایران را نمی‌خواهد. حالا می‌دانیم که او جمهور را نمی‌خواهد؛ اسلام را نمی‌خواهد؛ پیش‌تر گمان بر این بود که ایران را ویران می‌خواهد، در هم شکسته و

تصمیم‌سازان اعتماد داشته‌وبه آینده امید بست.

نه به وضعیت نه جنگ نه صلح

تجربه جنگ ۱۲ روزه و ایجاد وضعیت نه جنگ نه صلح پس از آن، این حقیقت را اثبات می‌کند که تا امنیت درازمدت تأمین نشده نباید به توافقی تن داد، واقعیت این است که ما با دست بالا ضرباتی را به دشمن زدیم ولی دوباره به برزخ نه جنگ نه صلح وارد شده‌ایم، وضعیتی که بلاتکلیفی و خطر حمله دوباره در آن هست، دشمن خرابکاری‌هایی می‌کند، اقتصاد در وضعیت نااطمینانی قرار می‌گیرد و خطر تکرار کودتای ۱۸ و ۱۹ دی دوباره وجود دارد. پس جنگ هنوز تمام نشده است و نباید در حالت جنگی خارج شد و مهم‌تر اینکه نباید به وضعیت نه جنگ نه صلح رسید و مطمئناً با نظر به شروط از پیش تعیین شده ولی امر مسلمین و تنها در صورت تحقق عملی آن‌ها، جنگ فعلی با پیروزی پایان خواهد یافت. باید مواظب بود که اسیر روایت‌سازی‌ها نشویم.

شکل‌دهی ترتیبات جدید امنیتی

مطمئناً منطقه و جهان دیگر به پیش از جنگ ۴۰ روزه بازخواهد گشت، بنابراین تهران باید متناسب با شرایط جدید در ابتکارات امنیتی خود ترتیب اثر بدهد. در این مسیر در کنار وضع ترتیبات جدید برای رفت و آمدها در تنگه هرمز، شکل‌گیری ترتیبات جدید امنیتی جمعی در منطقه بسیار مهم است. از سویی در شرایطی که اعتبار آمریکا در جهان به تاراج رفته، تهران با هدف حل ریشه تنش‌های منطقه و قطع بازگیری مخرب نیروهای خارجی باید به ایجاد پیمان‌های امنیتی دو جانبه با همسایگان روی آورده و این گونه آینده منطقه را با مشارکت جمعی رقم‌بزند.

وحدت و انسجام ملی

مذاکرات با بی‌اعتمادی کامل به طرف آمریکایی آغاز خواهد شد، اما همزمان ضرورت دارد در این مدت وحدت کامل ملی حفظ شده و جشن‌های پیروزی با قدرت تداوم داشته باشد. مذاکرات کنونی یک مذاکره ملی و ادامه میدان است و ضرورت دارد همه مردم، نخبگان و گروه‌های سیاسی به این فرایند که زیر نظر رهبر معظم انقلاب و عالی‌ترین سطوح نظام است اعتماد داشته و از آن حمایت به عمل بیاورند و به شدت از هر گونه اظهار نظر تفرقه‌افکنانه اجتناب کنند. هر جنگی باید روزی پایان پذیرد، راهبرد خروج از جنگ در زمره مهم‌ترین فازهای هر نبرد است. پس اگر قرار است جنگ کنونی هم پایان پذیرد، مهم این است که کدام طرف چارچوب نحوه پایان آن را ترسیم می‌کند. بنابراین اگر تسلیم دشمن در میدان تبدیل به دستاورد قاطع سیاسی در مذاکرات شد یا هم این پیروزی عظیم تاریخی را جشن خواهیم گرفت و گر نه در میدان دوشادوش هم تارسیین به همه خواسته‌های ملت ایران خواهیم جنگید. دست‌های ما روی ماشه است و به محض آنکه کوچک‌ترین خطایی از دشمن سر بزند با قدرت کامل به آن پاسخ داده خواهد شد.

داغدار میناب، به انتقام خون فرماندهان و رهبران جبهه حق؛ آنچنان زیر گوش این قلدر مست لایعقل و سگ هارث خوابانده‌ایم که صدایش در جهان پیچیده! بله ما آسیب دیده‌ایم، زخم خورده‌ایم و داغداریم اما مقتدر؛ ما در خیابان‌های شهر به یگانگی رسیدیم؛ آرزو کردیم که آن خواهر عزیزتر از جانمان که حجاب نداشت را فردا با حجاب ببینیم اما سر تعظیم جلو غیرت و شرفش فرود آوردیم و خاک پایش را توتیای چشم کردیم. حالا ما حتی بیش از پیش یک ملتیم؛ و این «آغازی» است بر یک «پایان»؛ پایان پروژه استعماری و شیطانی که جمهوری اسلامی ایران را نمی‌خواست و پیش‌نیاز آن، جدایی مردم بود؛ تحریم، محاصره، شیخون فرهنگی، سیاه‌نمایی، نفوذ و ناکارآمدی، همه چیز مهیا به نظر می‌رسید جز آنچه که باید؛ همان «اراده الهی»؛ اراده‌ای که این بار نیز مردم ایران و آزادگان جهان در طول آن گام برداشته و خدایی که تصریح کرده بود: «و نرید ان نمّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین».

غرق است که نمی‌داند «خامنه‌ای» حذف‌شدنی نیست و نظام سیاسی که او رهبری کرده با فقدان او داغ می‌بیند اما زوال نه؟! گویی آن همه اندیشکده پر زرق و برق، آن ژئوپلیتیسین‌های پر ادا و آن جامعه‌شناسان مسلح به داده‌های کلان؛ در تمام این سال‌ها مشغول بلعیدن فاند‌های نجومی بوده و از درک این واقعیت ابتدایی ناتوان که ایران، برای ما «مادر» است و ما برای مادرامن «جان» می‌دهیم!

بیش از ۱۴ میلیون نفر، تنها در چند روز، از نویسنده کمترین این سطور تا شخص «رئیس‌جمهور»، تنها گوشه‌ای از جانفدایان جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند و همین حالا، در چشم برهم زدن آماده تغییر مختصات صحنه نبرد از این «توقف آتش»، به ادامه یک جنگ منطقه‌ای و فراتر از آن هستند.

ما مردم جمهوری اسلامی ایران، به نمایندگی از تمام آزادگان جهان، به نیابت از همه مستضعفان و مظلومان تاریخ معاصر؛ به یاد قربانیان آن جزیره شیطانی، به خاطر دل شکسته کودکان مظلوم غزه، به تسلی دل مادران

ضعیف؛ حالا اطمینان بر این است که اصولاً چیزی به نام ایران نمی‌خواهد؛ که از دید او، زیادی بزرگ است، خیلی شلوغ است. خواست از شلوغی آن بکاهد، نخستین موشک را به «شجره طیبه» شلیک کرد؛ برای اطمینان از حصول هدف، دومین موشک را هم با چند دقیقه اختلاف به همان جا! سلاح فرستاد که مزدوران بی‌مقدارشان، از وسعت آن بکاهدند و بعدتر شاک می‌شد که آنچنان برای «ارباب» ننجنگیده‌اند آن لکه‌های کوچک سیاه بر دامن پاک زانگرس! قصد جان اسلام کرد و ماه را از انتهای خیابان «کشوردوست» به آسمان فرستاد، اما چراغی شد در این ظلمات که نمی‌دانست «اللّهُ ممّّّ...». بی‌تعارف بگویم و خودمانی؛ هر چه زد به در بسته خورد حتی همان جا که گمان می‌رفت به هدف زده! به راستی چه می‌شود که یک نظام فکری که مدعی است هر آنچه در این جهان هست، بر محور همین کالبد است و مادی؛ از محاسبه تبعات حمله به یک مدرسه ابتدایی در روز نخست و باختن افکار عمومی در سراسر گیتی بازمی‌ماند؟! چگونه آنچنان در خطاهای محاسباتی خود

روزشمار جنگ | روز چهارم

چرا ترامپ ترمز کشید و نتانیا‌هو به لبنان گریخت؟



ایران شکست خورده است. واشنگتن ترجیح داد پیش از آنکه تنگه هرمز رسماً مسدود شود، ماشه را از روی شقیقه اقتصاد جهانی بردارد.

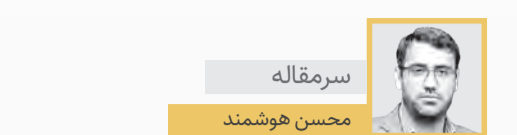
صورتحساب خونین در لبنان

اما توقف درگیری مستقیم با ایران، برای کابینه بحران‌زده اسرائیل معادل یک زهر کشنده بود. تل آویو که زیرساخت‌هایش آسیب دیده و یازدارندگی‌اش در برابر تهران فرورویخته است، نیاز به یک «تصویر پیروزی» داشت تا به شهرک‌نشینان خشمگین خود ارائه دهد.

چهلمین روز جنگ، با یک غافلگیری بزرگ و یک ترازدی هولناک همراه بود. ماشین جنگی ویرانگری که تا دیروز شریان‌ها و پا‌های پل ایران را بمباران می‌کرد و رئیس‌جمهور آمریکا را به هذیان گویی درباره «نابودی تمدنی» واداشته بود، ناگهان در برابر ایران متوقف شد. اما این ترمز اضطراری واشنگتن، صلح به ارمغان نیاورد. رژیم صهیونیستی که ظاهر از رویارویی مستقیم با تهران منع شده و در باتلاق زیرساخت‌های ویران‌شده‌اش گرفتار شده است، تمام سرخوردگی استراتژیک خود را بر سر غیرنظامیان بی‌دفاع لبنانی آوار کرد. چهلمین روز جنگ، روزی بود که غرب برای نجات اقتصاد و آبروی از دست رفته‌اش در کویر ایران، با تل آویو بر سر حمام خون در بیروت معامله کرد.

کالبدشکافی یک آتش بس شتاب‌زده

جنگ‌ها هرگز بی‌دلیل متوقف نمی‌شوند. توقف ناگهانی تبادل آتش میان ایران و ائتلاف غربی - عبری، تنها محصول یک پیروزی دیپلماتیک نبود؛ بلکه بیشتر محصول وحشت واشنگتن از لبه‌پرتگاه بود. گزارش‌های تحلیلی واشنگتن پست و اکسیوس در ۲۴ ساعت گذشته، پشت پرده این آتش بس دراماتیک را عیان می‌کنند. کاخ سفید که هنوز درگیر تصفیه‌های



سرمقاله

محسن هوشمند

۱۰+۵ دلیل برای پیروزی قطعی ایران و یک هشدار مهم

دشمن آمده بود برای نابودی جمهوری اسلامی، تجزیه ایران، تصاحب منابع نفتی و به تعبیر دقیق رهبر شهیدمان، «بلعیدن ایران». در میانه جنگ، لفاظی‌هایی نظیر نابودی تمدن و زیرساخت‌های ایران هم مطرح شد، اما در نهایت دشمنان ما به هیچ‌کدام از خواسته‌هایشان نرسیدند و مجبور به پذیرش آتش بس دوهفته‌ای و مذاکره بر اساس طرح دهم‌ماده‌ای ایران شدند. حالا پیروزی میدانی باید به پیروزی حقوقی و دیپلماتیک تبدیل شود تا مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی را تثبیت کند و بر این مینا گام پیش‌رو در ادامه نبرد میدانی، نبرد مهم حقوقی و دیپلماتیک است.

۱۰ دلیل پیروزی قطعی ایران

۱- شکست کامل دشمن در تحقق اهداف اصلی: دشمن از نخستین ساعات جنگ، نابودی جمهوری اسلامی، حذف توان موشکی و هسته‌ای، تجزیه ایران و تصاحب نفت ما را به عنوان اهداف خود اعلام کرد، اما پس از ۳۹ روز جنگ تمام‌عیار، هیچ‌یک از این اهداف محقق نشد.

۲- ناکامی در اهداف ثانویه و تاکتیکی: دشمن در میانه جنگ مجبور شد اهدافی مانند بازکردن کامل تنگه هرمز، نابودی گسترده زیرساخت‌های حیاتی ایران و اجرای عملیات زمینی برای سرعت اورانیوم از تأسیسات هسته‌ای اصفهان را دنبال کند، اما همه این نقشه‌ها هم نقش بر آب شد.

۳- تثبیت تسلط ایران بر تنگه هرمز: تنگه هرمز نه‌تنه باز نشد، بلکه ایران کنترل کامل عملیاتی خود را بر آن تثبیت کرد. اکنون عبور هر کشتی فقط با هماهنگی نیروهای مسلح ایران و رعایت «محدودیت‌های فنی» امکان‌پذیر است. این مهم‌ترین مؤلفه قدرت راهبردی ایران در این جنگ است و مهم‌ترین تضمین اجرای هر توافق آینده نیز خواهد بود.

۴- تثبیت توان هسته‌ای و پذیرش حق غنی‌سازی: در طرح دهم‌ماده‌ای ایران، حق غنی‌سازی به‌صراحت توسط دشمن پذیرفته شده است. ۵- رفع کامل تحریم‌ها در افق نزدیک: با قدرتی که در این جنگ ایجاد شد، ایران توانست موضوع رفع کامل تحریم‌های اولیه، ثانویه، خاتمه قطعی نامه‌های شورای امنیت و شورای حکام را به‌طور رسمی روی میز بگذارد.

۶- تثبیت قدرت جبهه مقاومت با وحدت بی‌نظیر میادین: همه ارکان جبهه مقاومت پای کار آمدند. در بیانیه دهم‌ماده‌ای ایران، «توقف جنگ در همه جبهه‌ها از جمله علیه مقاومت اسلامی قهرمان لبنان» گنجانده شد. این جنگ، اصل وحدت ساحات و ائتاق مشترک عملیات جبهه مقاومت را برابری همیشه رقم زد.

۷- جلب حمایت جهانی و تغییر گسترده تصویر ایران: آزادی خواهان و مسلمانان جهان در حمایت از ایران به خیابان‌ها آمدند و شبکه‌های اجتماعی به عرصه اظهار ارادت مردم دنیا به جمهوری اسلامی و مردم ایران تبدیل شد.

۸- ضربات کوبنده به دشمن در عملیات‌های «وعده صادق»: در بیش از ۱۰ موج عملیات «وعده صادق ۴» و همچنین عملیات‌های مؤثر پهبادی ارتش غیور، استراتژی «چشم‌درچشم» ایران با موفقیت کامل اجرا شد.

۹- نمایش قدرت بی‌نظیر پدافند هوایی: پدافند هوایی ایران در این جنگ حماسی‌ترین نقش را داشت و بیش از ۲۰۰ هواگرد دشمن از جمله جنگنده‌های پیشرفته، بالگردهای تهاجمی، هواپیمای سوخت‌رسان و ترابری را منهدم کرد. ۱۰- نابودی هیمنه پوشالی قدرت آمریکا: با این جنگ و حضور بی‌نظیر مردم، هیمنه قدرت آمریکا که پس از جنگ سرد سال‌ها بر جهان سایه انداخته بود، برای همیشه نابود شد.

پنج دلیل اثبات شکست قطعی آمریکا و اسرائیل

۱- ادعاهای متعدد در داخل آمریکا و اسرائیل: تنها ما نیستیم که می‌گوییم ایران پیروز شده است؛ شخصیت‌های سیاسی، نظامی، رسانه‌ای، تحلیلگران غربی و حتی هم‌حزبی‌های ترامپ و رسانه‌های صهیونیست نیز بارها به آن ادعان کرده‌اند.

۲- شکست در جلب همراهی ناتو و متحدان: ترامپ با تهدید و چانه‌زنی از همه خواست در این جنگ همراهی کنند، اما حتی کشورهای اروپایی و آسیایی و نیز ناتو حاضر به ورود به این باتلاق نشدند.

۳- شکست در ایجاد جنگ داخلی و ناامنی: ترامپ آشکارا گفت «گروه‌های مخالف به‌ویژه کردها را مسلح کرده‌ایم». اما آن‌ها نتوانستند هیچ ناامنی پایدار ایجاد کنند و در همان مراحل اولیه متلاشی شدند.

۴- ناتوانی در نابودی توان موشکی و هسته‌ای: با وجود بمباران‌های سنگین و شبانه‌روزی، نه یک سایت موشکی منهدم شد و نه تأسیسات هسته‌ای آسیب دید: توان موشکی و هسته‌ای ما بیش از گذشته باقی مانده است و توسعه خواهد یافت.

۵- شکست مفتضحانه عملیات زمینی و سرعت اورانیوم: اقتضای جنگ در عملیات نفوذ به تأسیسات هسته‌ای اصفهان رقم خورد.

یک هشدار مهم

دو هفته پیش ر تداوم جنگ در میدان، تثبیت‌کننده پیروزی ما و تضمین‌کننده اقتدار ما به‌عنوان ابرقدرت جدید جهانی است. دیپلمات‌ها و سیاستمداران ما هیچ اعتمادی به آمریکا و ترامپ ندارند و بدون تضمین قطعی و احقاق حقوق مسلم ملت ایران، از مذاکرات خارج نمی‌شوند. همچنین نیروهای مسلح ما همچنان دست روی ماشه دارند و هر تحرک دشمن را فوری و قاطع پاسخ خواهند داد. در ۳۹ روز گذشته، با اتکا به انسجام اجتماعی و وحدت ملی بی‌نظیر ایرانیان دشمن زمین‌گیر شد و امروز هم باید با همان روحیه و انسجام، حضور میدانی ما تداوم پیدا کند و دست سربازان عرصه دیپلماسی برای احقاق حقوق ملت ما، در یافت غرامت و فتح قله پر شود. هر مدیایی که این روزها القا می‌کند، شکست و وحدت‌شکنی را ترویج کند، خواسته یا ناخواسته در خدمت دشمن است.